

طرح قانون اصول محاکمات جزائی

ماده ۲۸۰ - بازپرس در موقع معاینه امکانه میتواند
امر بدهد که شخص یا اشخاص پیش از خاتمه صورت مجلس
از محل معاینه دور نشوند.
متخلف را بامر بازپرس مأمورین دوات بر گردانده و
در همانجا نگاه میدارند.

ماده ۲۸۱ - برای اینکه معلوم شود امری بوجود
آمده یا بترتیب معینی ممکن بوده است بوجود آید بازپرس
میتواند اقدام بازمایش نماید و مراقبت مینماید که در حدود
امکان این اقدام علنی نشود.

آزمایش عبارت از تجدید وضعیت سابق است در حدود
امکان و آزمایش مخالف احساسات ملی یا دینی و اخلاق
حسنه یا نظم عمومی ممنوع است.

ماده ۲۸۲ - گواه و کارشناس که در موقع اقدام
بمعاینه یا آزمایش برای معلوم کردن هویت اشخاص یا تشخیص
امکنه و اشیاء یا برای تعیین خصوصیات موضوعی دعوت میشوند
باید سوگند یاد کنند.

مبحث سوم

کارشناس

ماده ۲۸۳ - هرگاه بازپرس محتاج بتشخیص امر
فنی گردید میتواند آنرا رجوع بکارشناس نماید.

ارجاع بکارشناس برای تشخیص بزهدکاری بعبادت یا
بطبیعت یا تشخیص طبیعت و شخصیت متهم و بطور کلی برای
تشخیص حالات روحی متهم که از مرض ناشی نشده باشد
جایز نیست.

ارجاع بکارشناس بموجب قرار بعمل میاید اگر بازپرس

از پیش خود اقدام نکرد دادسرا یا طرف خصوصی ذینفع
میتواند ارجاع بکارشناس را تقاضا کند.

کارشناس از بین کارشناسان رسمی انتخاب می شود و
در صورت نبودن کارشناس رسمی کسانی که برای کارشناسی
لابق باشند انتخاب میشوند. در هر حال رجحان با اشخاصی است
که تخصص دارند.

کارشناس که انتخاب میشود اگر منحصر بفرد باشد
ملزم بقبول است.

بازپرس میتواند در صورتیکه لازم بداند چند نفر کارشناس
بیک دفعه یا بدفعات انتخاب کند.

ماده ۲۸۴ - اشخاص ذیل نمیتوانند وظائف کارشناس
را انجام دهند:

۱ - مجبور.

۲ - کسی که دارای شرایط لازم برای گواهی نیست
و یا در آن دعوی حق امتناع از گواهی دارد و یا بعنوان گواه
یا مترجم دعوت شده.

۳ - کسیکه از حقوق اجتماعی محروم است و یا از
اشتغال بکار یا صنعت ممنوع یا معلق گردیده یا تحت مقررات
تأمینی سلب آزادی یا در آزادی تحت نظر بوده یا هست.

ماده ۲۸۵ - کارشناس در محل و روز معین دعوت
میشود در و وارد فوتی ممکن است دعوت زبانی بتوسط خدمتگذار
دادگستری بعمل آید.

بازپرس پس از حضور کارشناس مدلول ماده ۱۰۰ را
اجرا و از وظیفه سرنگهداری که قانون مقرر کرده آگاه میکند
و سپس او را بعبارت ذیل سوگند میدهد:

باتوجه بمسئولیتی که بوسیله سوگند در پیشگاه خالق

بداند بازپرس می تواند بر طبق مقررات همان ماده اقدام نماید
 ماده ۲۸۷ - هرگاه تشخیص مرض دماغی متهم رجوع
 بکارشناس شود و قانون خطرناک بودن متهم را نسبت بجامعه
 شرط اعمال مقررات تأمینیه قرار داده باشد بازپرس از کارشناس
 پرسش می کند آیا متهم نسبت به جامعه خطرناک است
 یا نه ؟

کارشناسی در محلهای زیر بعمل می آید :

۱ - در مورد متهمی که در توقیف احتیاطی یا تحت
 یکی از مقررات تأمینیه سالب آزادی است اگر ممکن باشد
 رسیدگی کارشناس در همانجا که متهم هست بعمل می آید و گرنه
 در بیمارستان و در صورت وجود بیمارستان مخصوصی برای
 دادگستری آنجا مقدم بر جای دیگر خواهد بود .

۲ - در مورد صفاری که در بنگاههای تربیتی نگهداری
 میشوند در صورت امکان در همان محل و الا بر طبق قسمت اخیر
 شق اول اقدام خواهد شد .

۳ - در سایر موارد در محلی که بازپرس تعیین مینماید
 و میتواند در صورت اقتضاء مقرر دارد که تمام یا قسمتی از
 رسیدگی کارشناس در یکی از بنگاههای تابع دانشگاهها که
 برای امراض دماغی است بعمل آید .

ماده ۲۸۸ - در دعای راجع بجمع اسناد اگر برك
 مسلم الصدور که برای تطبیق لازم است در یکی از دوائر دولتی
 یا درست مأمورین بخدا، ات همگانی باشد بازپرس امر میکند
 که آنرا حاضر نمایند .

نوشته هائیکه در دست سایر اشخاص است اگر صدور
 آنها از ناحیه منتسب الیه مسلم باشد ممکن است اساس تطبیق
 واقع شود .

اگر نوشته اساس تطبیق در نزد کسی باشد که حق
 امتناع از اداء گواهی ندارد بازپرس در صورت اقتضاء اقدام
 ببازرسی و ضبط آن میکند .

بازپرس باید زیر نوشته اساس تطبیق را امضاء

نماید .

و در نزد مخلوق بعهده میگیرید سوگند یاد کنید که کاری را
 که بشمار رجوع شده برآستی و درستی انجام دهید و هیچ
 غرض و منظوری جز کشف حقیقت در نظر نگیرید و نسبت
 بتمام کار هائیکه انجام میدهید یا در حضور شما انجام میگیرد
 سرنگهدار باشید .

پس از این بازپرس هویت او را میپرسد و پرسش هائی
 که مقتضی میداند بعمل میاورد پرسش های جدید از کارشناس
 در هر حال از بازجوئی ممکن است بعمل آید .

اگر اظهار عقیده بلافاصله ممکن نباشد بازپرس مهلتی
 میدهد که کارشناس در ظرف آن گزارش کتبی تقدیم دارد
 این مهلت نباید از سه ماه تجاوز کند .

بازپرس میتواند در صورت اقتضاء مهلت را تمدید نماید
 اگر کارشناس در اقتضاء مهلت گزارش خود را ندهد بازپرس
 منتظر نشده کارشناس دیگری بجای او تعیین و مقررات ماده
 ۲۹۱ را اعمال میکند .

بازپرس برای اعمال فوق صورت مجلس تنظیم
 می نماید .

ماده ۲۸۶ - بازپرس رسیدگی کارشناس را اداره
 میکند و اگر مقتضی بداند خودش هم حاضر میشود و در هر
 حال بر تیبائی که مقتضی میداند و سائل انجام کاری را که
 از کارشناس خواسته فراهم و در سرعت پیشرفت کار اهتمام
 می کند .

بازپرس احتیاطات لازمه را برای محفوظ ماندن
 اشیاء موضوع ماینه بعمل میاورد و برای اینکه مطمئن شود
 اعمال کارشناس از روی بی غرضی و بطور محرمانه انجام گرفته
 بازپرس میتواند امر کند که عملیات کارشناس در آزمایشگاه
 یا بنگاه دیگر عمومی یا خصوصی بعمل آید .

بازپرس میتواند مقرر دارد که کارشناس در موقع بازپرسی
 متهم و بازجوئی از گواه حاضر شود و نیز میتواند اجازه دهد
 که بر گهای بازجوئی را ملاحظه کند .

از کارشناس آزمایش مذکور در ماده ۲۸۱ را لازم

مبحث چهارم

بازرسی و توقیف اشیاء

ماده ۲۹۴ - هرگاه بازپرس ظن موجهی پیدا کند

که کسی چیزی مربوط به بزه را باخود دارد امر ببازرسی بدنی او میدهد و اگر که آن فرد که چیز مربوط به بزه در محل معینی است یا متهم یا شخص دیگری که مظنون یا فراری است ممکن است در آن محل یافت شود ضمن قراری امر ببازرسی میدهد.

بازپرس میتواند خود و در صورت اقتضاء بهمراهی

مأمورین انتظامات همگانی باین کار اقدام کرده و یا یکی از کلانتران یا جانشین آنان مأموریت دهد *

ماده ۲۹۵ - بازرسی منزل بهداز غروب تا طالع آفتاب

جایز نیست *

در موارد فوتی بازپرس میتواند کتباً امر دهد که

بازرسی حتی در شب هم بعمل آید *

ماده ۲۹۶ - در وقوع شروع بازرسی رونوشتی از قرار

دادرس بمتهم و بکسیکه در محل بازرسی ساکن یا مالک آن است تسلیم و زبانی دعوت میشود که در بازرسی حاضر باشند یا نماینده از کسانیکه در آنجا هستند برای حضور معرفی کنند اگر رونوشت را نتوان با شخص تسلیم نمود یکی از خویشان یا بخدمتگذاران یا دربان خانه یا بهمسایه اگر در آنجا باشد تسلیم میشود و دعوت مزبور نیز بعمل میاید بشرط آنکه آن شخص اهلیه گواهی داشته باشد *

اگر انجام تشریفات بالا ممکن نباشد این معنی در صورت

مجلس قید میشود *

هرگاه دادرس در موقع بازرسی منزلی ظن حاصل کند

اشخاصی که در آنجا بوده یا بعداً آمده چیز مربوط بزه را باخود دارند میتواند امر ببازرسی بدنی آنها ولو زبانی بدهد و همچنین اگر درباره کسی از آنها بدگمان شود میتواند امر دهد که آن شخص تا خاتمه بازرسی در همانجا بماند و میتواند او را تحت نظر مأمورین انتظامات همگانی قرار دهد که مواظب باشند اگر ازدستور دادرس تخلف کنند او را نگاه داشته و اگر برود برگردانند *

پرس میتواند حتی در غیر مورد جعل اسناد هم اگر امر دهد که متهم خطوطیکه سابقاً نوشته حاضر حضوراً خطوطی بنویسد اگر متهم امتناع کند یا بنام تصنع نماید این معنی در صورت مجلس قید

ماده ۲۸۹ - بازپرس نظریه کارشناس را وارد صورت میکند و اگر گزارش کتبی باشد دادرس زیر آنرا امضاء نمائند و صورت مجلس مینماید *

ماده ۲۹۰ - هرگاه اختلافی در عقیده کارشناسان

شود یا عقیده آنان بنظر بازپرس مشکوک باشد کارشناس دعوت میشود و با عقاید کارشناس را نزد متخصصین علم فرستاده شده عقیده آنان خواسته میشود *

ماده ۲۹۱ - هرگاه کارشناس او امر بازپرس را رعایت

یا در انجام امری که باو رجوع شده مسامحه نماید شناس دیگری بجای او تعیین و بکارشناس متخلف اخطار شود که برای مدافعه از خود حاضر گردد *

اگر کارشناس حاضر نشد با مدافعه او موجه نبود ضمن آزی بتأدیه دو بیست تاسه هزار ریال بصندوق جرائم محکوم می شود *

ماده ۲۹۲ - برای ترجمه نوشته ایکه بزبان بیگانه است بکفر مترجم تعیین میشود *

اگر کسی که میخواهد یا میباید اظهاری بکند یا اداء گواهی نماید بزبان ایرانی نداند و یا لهجه اش طوری باشد که بیانات او کاملاً فهمیده نشود دادرس بکفر مترجم یا کسیکه آشنا بلهجه او باشد تعیین میکند *

اظهار یا گواهی ممکن است بطور کتبی بعمل آید و در این مورد در صورت مجلس با ترجمه که بوسیله مترجم شده درج میگردد *

ماده ۲۹۳ - مقررات مربوط بکارشناس در باره مترجم تا اندازه که قابل اجرا است رعایت میشود *

ماده ۲۹۷ - اگر مقصود بدست آوردن چیز معینی باشد باز پرس میتواند قبلاً بشخص مورد بازرسی بدنی تکلیف کند که آن چیز را ارائه دهد و اگر ارائه داد بازرسی نمیشود مگر آنکه بجهت دیگری لازم باشد .

بازرسی بدنی زن بوسیله زن دیگر بعمل میآید مگر در مواردیکه دسترس بزن دیگر نبوده یا مراجعه بزن دیگر باعث تأخیر شده یا بازجوئی را دچار اشکال کند در هر حال بازرسی بدنی باید جدا جدا و بقدر امکان با رعایت عفت بعمل آید .

ماده ۲۹۸ - اگر صاحب خانه یا ساکن آن یا هر کسی که بموجب امر باز پرس باید خانه یا کنججه یا صندوق یا هر نوع بسته ای را باز کند از اجرای امر خودداری نماید باز پرس میتواند حکم باز کردن را بدهد و مکلف است حتی الامکان از اقداماتی که باعث خرابی چیزی شود دوری جوید .

ماده ۲۹۹ - بعد از هر بازرسی صورت مجلسی تنظیم و اشیائی که کشف شده با رعایت مقررات مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ ضبط میشود .

ماده ۳۰۰ - بعد از هر بازرسی صورت مجلسی تنظیم و اشیائی که کشف شده با رعایت مقررات مواد ۲۹۵ و ۲۹۶ ضبط میشود .

ماده ۳۰۱ - در جریان بازجوئی دادرس میتواند ضمن قرار امر دهد اشیائیکه ارتباطی با بزه دارند و یا موجب کشف آن یا اقرار منتهم به بزه تواند بود توقیف شوند. توقیف از طرف دادرس یا به امر او بوسیله کلانتر بعمل میآید .

ماده ۳۰۲ - از اشیاء مایع بقدر لزوم و در صورت امکان در سه ظرف برای تجزیه برداشته شده و بطوریکه ضایع و تفریط نشود مهروموم میگردد .

ماده ۳۰۳ - در مقابل چیزی که برای توقیف گرفته میشود باید قبض رسید بمتصرف آن داد .

مال دزدی که نزد منتهم یافت میشود باید بصاحب آن مسترد و قبض رسید دریافت شود مگر در صورتیکه وجود

آن در بازرسی و دادرسی لازم باشد که پس از رفع حاجت قبض آن مسترد خواهد شد .

ماده ۳۰۴ - دادرس میتواند امر بتوقیف نوشتن و بسته ها و یا کتتها و برگهای بهادار و تلگرافها که پستخانه یا تلگراف خانه است بدهد - مشروط بر این ظن ببرد که آنها از طرف منتهم یا برای منتهم ولوباسم دیگر یا بتوسط شخص دیگری فرستاده شده یا بنحوی از آنها ممکن است که با بزه ارتباط داشته باشد

هرگاه متصدی توقیف لااثر باشد باید آنها را همانطوری که هست بدون آنکه باز کند یا بنحو دیگر از محتویات آن اطلاع حاصل کند بدادرس تسلیم نماید . پس از وصول اشیاء مزبور دادرس آنها در حضور منتهم باز کرده صورت مجلسی از آن ترتیب داده خودش و منتهم امضاء میکنند .

نوشتجاتیکه برای کاراهمیت دارد داخل پرونده میشود و آنچه راجع بکار نیست بصاحبش مسترد و قبض رسید دریافت می شود .

ماده ۳۰۵ - دادرس خود یا بوسیله کلانتر میتواند برای گرفتن مخابره تلفونی یا مانع شدن از آن یا مطلع شدن بر آن اقدام کند .

ماده ۳۰۶ - هرگاه گمان رود که چیز مربوط به بزه از قبیل اسهام و برگهای بهادار و وجه نقدی که بحساب جاری است و هر چیز دیگر هر چند متعلق بمنتهم نبوده و یا بنام او ثبت نشده باشد در بانک یا بنشگاههای سپرده شده اگر چه در صندوقهای خصوصی اشخاص در بانک باشد میتوان اقدام بتوقیف آن نمود .

دادرس میتواند تمام دفاتر و اسناد و برگهای بانک یا بنگاه را برای پیدا کردن چیز توقیفی یا معلوم کردن امور دیگری که برای کشف حقیقت مفید است ملاحظه کند در صورت استتکاف اقدام ببازرسی ، توقیف مراسلات و هر چیز دیگری که لازم بداند مینماید .

کلانتر اعمال مذکور در بند دوم را نمیتواند انجام دهد ولو آنکه از طرف دادرس معین شده باشد .